

گفت‌وگو با احسان شریعتی

فرجام اشتباهات استراتژیک

«با بحران‌های کنونی، این شکل از اصلاحگری که از دهه ۷۰ تاکنون مطرح بوده به پایان خود رسیده است». احسان شریعتی معتقد است نه‌تنها مردم که نهادهای رسمی هم به این نتیجه رسیده‌اند که باید بساط این شکل اصلاحگری برچیده شود؛ یعنی هم حاکمیت و نظام می‌گوید و هم جامعه! همه خواستار تحولات ساختاری‌تر و آغاز دورانی جدیدند». شریعتی معتقد است اگر مردم از شرکت در انتخابات استقبال نکنند، منطقی دارد. در دو دهه گذشته جمع‌بندی جامعه این بوده که انتخابات موفقیت‌آمیز نبوده؛ چراکه دولت هر دو نقطه قوت خود را از دست داده است؛ یکی برجام که با بدشانسی آمدن ترامپ مواجه شد و موفق نبود و دیگری در زمینه اقتصادی که مشکلات کنونی وخیم‌تر از گذشته شده است. او از موقعیت بحرانی می‌گوید که به راه‌حل اساسی نیاز دارد؛ خاصه بحران‌های اقتصادی که به شکلی مزمن و با فواصل و فرکانس‌های کوتاه‌تر، بی‌ثباتی و بی‌اعتباری پول ملی و تورم و گرانی و تنش اجتماعی را نشان می‌دهد و از دو سال پیش، وخیم‌تر نیز شده است. از این روست که شریعتی با اشاره به تعویق اصلاحات می‌گوید اگر اصلاحات در زمان خودش انجام نشود، زمانش می‌گذرد و فقط کلکسیون‌ی از ادوار مبارزات خواهد ماند.

❧ اگر موافقید از بحث یکدست‌سازی آغاز کنیم؛ اینکه در سیاست ما به سمت یکدست‌سازی پیش می‌رویم، آیا با این نظریه موافق هستید؟ بله. ظاهراً تمهیداتی برای یکسان‌سازی و یکپارچه‌سازی مجلس و دولت آینده در جریان است که عواقب منفی آن، یعنی تمرکز قدرت در دست جناح و اقلیتی، می‌تواند حامل جنبه مثبتی نیز تصور شود. یکدست‌شدن قدرت اگر موجب افزایش قدرت تصمیم‌گیری عملی و اراده واحد شود، مطابق با شرط لازم در تعریف «دولت»، به معنای مدرن، خواهد بود. به این معنا که اجزای دولت باید همبسته و مسئول کار یکدیگر و امور مشترک حکومت باشند. در حالی‌که دوگانگی، قدرت تصمیم‌گیری را تاکنون خنثی می‌کرده است. در قدرت دوگانه هیچ‌کس نه‌تنها مسئولیت را نمی‌پذیرد و پاسخ‌گو نیست، که هرکدام به دیگری پاس می‌دهند و این موجب نوعی انسداد مزمن و تصلب فضای سیاسی می‌شود. در بسیاری از کشورهای عربی- اسلامی دولت‌ها، وکلا و وزرا در آغاز شخصیت‌های سالمی بوده‌اند، مثلاً در شمال آفریقا و الجزایر که مجاهدین پیش‌تر در مبارزه برای استقلال جنگیده بودند. اما به دلیل تمرکز قدرت و استمرار سیستم تک حزبی، هر دولتی دچار کوهلیت یا پدتر فساد می‌شود و موجب اعتراض‌هایی که شاهد بودیم، زکرا می‌توانیم انتقال قدرت و تنوع آن از میان رفته و بی‌آیند قدرت یکپارچه می‌تواند فساد سیستماتیک باشد. بنابراین اینکه قدرت یکپارچه شود، از این نظر تجربه مثبتی نبوده است. موقعیت ایران ویژه است و از آغاز انقلاب نوعی دوگانگی با منشأیی بینشی به ساختار سیاسی منتقل شده است. از زمان بازارگان و بنی‌صدر تا هاشمی و احمدی‌نژاد این مشکل مطرح بوده است. اصل دوگانگی بینشی در ساختار قانون اساسی است که به نظر می‌رسد باید در فرصتی مناسب تجدیدنظر و مرتفع شود. اصلاحات ساختاری از همین‌جا شروع می‌شود؛ از اصلاح قوانین اساسی، سپس، بازتعریف و اصلاح ماهیت مناسبات قوا با هدف رفع تبعیض‌ها. در قانون اساسی پیش از انقلاب

هم نظارت شورای فقها مطرح بود. هدف عنوان‌شده این بود که قوانین عرفی، تناقضی با اسلام نداشته باشد. پس از انقلاب اما وقتی نظارت فقها مقنن و نهاده‌به شد. از پی آن، نوعی دوگانگی میان نهادهای انتخابی و انتصابی پدیدار شد. دوگانگی با رقابت و تنش همراه می‌شود که این پدیده ثنویت ساختاری هم البته اثرات منفی و مثبت داشته است. پیامد منفی این است که گاه قدرت تصمیم‌گیری یا مسئولیت‌پذیری را به‌صورت بایسته و شایسته نداشته‌ایم و از آثار مثبت این دوگانگی این بوده که ایران با نظام‌هایی که در آن اراده سیاسی واحد حاکم و ناظر است اما از شفافیت و مشارکت خبری نیست، متفاوت می‌شود. این وجه دموکراتیک مشروط به‌ویژه در دوره اصلاحات، مثلاً خود را در فعالیت مطبوعاتی نشان می‌داده و تنوعی که در جامعه مدنی- فرهنگی ایران وجود دارد، در آن کشورهای نام‌گرا نیست و از همین نظر قوتی برای کشور ما محسوب می‌شده است. منظور اینکه در همه حالات جنبه‌های ضعف و قوت را درمی‌یابیم. اما برای خروج از همه چالش‌ها، از چالش زیست‌محیطی گرفته تا چالش اقتصادی- اجتماعی و مهم‌تر از همه ساختار حقوقی- سیاسی، باید چاره و راه‌های برون‌رفتی جست. یکی از این بحران‌ها اقتصادی است که می‌بینیم به شکل مزمن و اینک با فواصل و فرکانس‌های کوتاه‌تر، بی‌ثباتی و بی‌اعتباری پول ملی و تورم و گرانی و تنش اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. این بحران اقتصادی همه‌جانبه از دو سال پیش، ۹۶ تا ۹۸، وخیم‌تر شده است.

همچنین بحران اجتماعی ناشی از بحث اختلاس و فساد را شاهدیم که ابعاد گسترده‌ای یافته است. ناکارآمدی‌ای که در خیلی از ابعاد می‌بینیم، پیامدها و بحران آسیب‌های اجتماعی را دارد؛ مانند اعتیاد، رفتارهای نامتعارف پرخاش‌گرانه، بحران رفتاری و موازین کلیه مبادلات و معاملات در جامعه، آسیب‌دیدگی ارزش‌های سنتی در خانواده‌ها، ضعیف‌شدن اقشار پایین و... همه اینها پی‌آیند بحران‌های اجتماعی است که انشقاق فرهنگی را هم به دنبال دارد. در آستانه چهل‌ویکمین سالگرد انقلابی هستیم که پیام «معنویت سیاسی» داشت. نام ایران از این منظر در جهان امروز مطرح است که با پیام دینی خاصی در عصر جدید به وجود آمد و برای همه مهم است که سرنوشت آن چه می‌شود. برای جهان اسلام جنبش‌های اصلاحی و مردم‌سالار خیلی جاذب بود اما خود ما ایرانی‌ها از درون به پژواک ایده‌ها و مواضع‌مان خیلی واقف نبوده‌ایم. درمجموع و با بحران‌های کنونی؛ این شکل اصلاحگری که از دهه ۷۰ تاکنون مطرح بوده، به پایان خود رسیده است و به‌طور رسمی هم می‌شنویم که می‌گویند باید بساطش برچیده شود؛ همه خواستار تحولات و آغاز دورانی جدیدند.

❧ اگر با تسامح نگاه کنیم، می‌بینیم که حاکمیت دوگانه‌ای وجود ندارد؛ چراکه در مسائل کلی و کلان، به‌ویژه در مسائل امنیت ملی از تصمیمی واحد تبعیت می‌کنند. درنتیجه نظر کسانی را که می‌گویند حاکمیت دوگانه داریم، با این قاعده می‌توان پذیرفت که وقتی کشور در شرایط خاصی قرار می‌گیرد، انسجام درونی در حکومت به وجود می‌آید. یعنی تمام ارکان حکومت از صدر تا ذیل یک فکر را دنبال می‌کنند و هیچ‌کس ساز مخالف نمی‌زند. اما در مسائلی که چندان استراتژیک نیست، شاهد این دوگانگی یا انشقاق هستیم. بنابراین نمی‌توان گفت

حاکمیت دوگانه وجود دارد بلکه می‌توان گفت رقابت بین نهادهای رسمی و انتخابی وجود دارد. ماجرا را یک‌جور دیگر هم می‌توان نگاه کرد؛ قطب‌بندی‌ای در جامعه اتفاق افتاده که کسی نمی‌تواند منکرش شود. درواقع با مجموعه‌ای متلون و لغزنده از جریان‌های اجتماعی روبه‌رو هستیم که در این قطب‌بندی برخی بسیار رادیکال و برخی بسیار محافظه‌کار هستند. تلقی من این است که اگر در میان این احزاب قطب‌بندی جدیدی اضافه نشود، چه‌بسا بشود تصمیمات را راحت‌تر عملیاتی کرد. آن عده‌ای که برای آینده سیاست داخلی ایران برنامه‌ریزی می‌کنند، این تلقی را دارند که با مهندسی‌کردن قدرت، می‌توانند از قطب‌بندی‌های رادیکال جلوگیری کنند یا دست‌کم از اثر قطب‌بندی‌های رادیکال بکاهند. اصلاح‌طلبان به‌مثابه قطب منتقد و مصلح، دیگر برخلاف گذشته آن کاریزما را ندارند، حتی اگر این کاریزما دوباره به دست بیاید، دیگر سودی برای سیاست داخلی ایران نخواهد داشت. تلقی من این است که یک انتخابات آرام و با میانگین متوسط به بالا مدنظر است. در این میان، انشقاقی در طیف اصولگرا هست که بعد از حوادث دی و آبان اتفاق افتاده است. نکته مهم دیگر این است که آن بخش از اصلاح‌طلبانی هم که به رای‌دهندگان سازمانی معروف بودند، از قطار اصلاحات پیاده شده‌اند. حالا با اینس تصویر دیگر چه نیازی به قطب‌بندی سیاسی در داخل ایران وجود دارد؟ هرچه این قطب‌بندی یکدست‌تر شود، اتفاقاً امکان مهندسی قدرت بیشتر فراهم می‌شود و این قدرت واحد بهتری می‌تواند در برهه‌های حساس ازجمله مذاکره و... تصمیمات عاقلانه‌تری بگیرد و حتی اگر بخواهد وارد جنگ شوند، می‌توانند تصمیمات کاراترری بگیرند. اگرچه بحث شما را قبول دارم که تمرکز قدرت هم، تداوم فساد اقتصادی و اخلاقی و بحران‌های اجتماعی خواهد بود.

بله. برای بقای فیزیکی، توان واکنش، یکپارچگی لازم است ولی به چه قیمت باشد هم مطرح است. نظامیان می‌گویند باید وحدت عمل داشته باشیم و واکنش سریع اجرایی نشان دهیم. در اینجا دو نکته مطرح است. یکی بحث تکنیکی قضیه که مهم است؛ مثل حوادث هواپیمای اخیر که نشان داد ضعف‌های تکنیکی مهمی وجود دارد. یعنی در اشتباهاتی که پیش می‌آید، قدرت تکنولوژی فائق می‌آید و قدرت مقابله ضعیف عمل می‌کند. دوم، مسئله شکننده‌تر بودن بدیل‌های ضعیف به نفع قدرت‌های فائق هم مطرح می‌شود. مثل اپوزیسیون‌های قلابی که به همین خاطر هم از آنها استقبال نمی‌شود. اشتباهی که برخی می‌کنند این است که بحث را خیلی جسمی- فیزیکی می‌بینند. درحالی‌که تفاوت است بین مفهوم قدرت و مفهوم مرجعیت. بین پاور و اتوریتیه. مرجعیت یعنی مشروعیت قدرت که به تعریف هانا آرنت بالاتر از قدرت است. وقتی زیر سؤال برود تنها بخش فیزیکی می‌ماند که البته در برخوردهای فیزیکی همواره نیروهای قوی‌تر برنده می‌شوند. مگر اینکه مشروعیتی در کار باشد. مشروعیت یعنی اینکه منبع قدرت در افکار عمومی جهان و مردم موجه باشد؛ یعنی سرمایه نمادین و اجتماعی وجود داشته باشد نه سرمایه اقتصادی و نظامی صرف.

ادامه در صفحه ۶



الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۰۰۰۴۶۹۹

● چرا شرکت بیمه کوثر که اسمال موظف است خسارت ناشی از نوسانات برق به تجهیزات و لوازم خانگی مردم را پرداخت کند، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کند؟

بازنشسته مطبوعاتی

● حضانت به جای مهریه! زن و شوهری دختر ۱۳ساله‌ای دارند. مادر دختر برای اینکه بتواند حضانت آن را بر عهده بگیرد، سه سال پیش مهریه خود را بخشید و از شوهرش جدا شد. متأسفانه پدر دختر از پرداخت نفقه و یارانه نقدی فرزند مشترکشان خودداری می‌کند. پدر دختر دوباره با خانمی ازدواج کرد و از رسیدگی و دیدار دخترش غافل شده است. به‌راستی چطور برخی می‌توانند از عظوفت پدرانه و مسئولیت‌پذیری دور باشند؟

علی از تهران

● شرکت واحد رسیدگی کند؛ جمعه هجدهم بهمن از پایانه اتوبوس‌رانی شرکت واحد علی‌آباد سوار اتوبوس به مقصد دولت‌آباد شدم. راننده سر ساعت ۱۴ حرکت کرد، اما با سبک‌ار می‌کشید یا اینکه یکسره چشمانش به صفحه تلفن همراه بود یا بارها تماس می‌گرفت و صحبت می‌کرد و خارج از ایستگاه هم توقف کرده و مسافر پیاده و سوار می‌کرد و از سرعت تعیین‌شده نیز آهسته‌تر می‌رفت و این کار راننده باعث شد دیر به مقصد برسیم. از مسئولان شرکت واحد تقاضای رسیدگی فوری به تخلف راننده مربوطه را دارم.

از مسافران دائمی شرکت واحد

● کمبود و گرانی ماسک؛ برای خرید ماسک به هر داروخانه‌ای که مراجعه می‌کنیم، یا می‌گویند نداریم یا اینکه گران‌تر از روزهای گذشته می‌فروشند. وقتی تقاضا بیشتر شود، عده‌ای هم از حسن‌نیت مشتریان سوءاستفاده می‌کنند!

عرفان از تهران

● مشاوره تلفنی و قدردانی از کارشناسان بیمه پاسارگاد گرگان؛ روزهای گذشته درباره بیمه خودرو و عمر تلفنی با مهندس صعیبری و خانم فاطمه منصوری، کارشناسان پرتلاش بیمه پاسارگاد گرگان، صحبت کردم و به‌خوبی راهنمایی کردند و پاسخ‌گو بودند که جای قدردانی دارد. مشاوره تلفنی باعث می‌شود با توجه به ترافیک خیابان‌ها، از هدررفتن وقت مردم جلوگیری نشود. امیدوارم مدیرعامل شرکت بیمه پاسارگاد نام‌برندگان را تشویق کند.

علی‌اکبر فرقانی



لونجین



The Longines Master Collection

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN

Tel.: +98 21 226.137.52